

نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان

<"xml encoding="UTF-8?">

اشاره

دهم رمضان (سال ده بعثت) نقطه پایان بر 25 سال همراهی خدیجه، بانوی آسمانی با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ بانویی مبارکه، (1) طاهره، راضیه، مرضیه، زکیه، صدیقه، کبری، (2) شامخه، (3) فاضله، کامله (4) و عفیفه (5) که 55 سال قبل از بعثت چشم به جهان گشوده و از سال 15 قبل از بعثت (دهم ربیع الاول) در کنار برگزیده الهی قرار گرفته بود و سرانجام بعد از قریب 25 سال همراهی و همگامی، در 65 سالگی چشم از جهان فرو بست و رسول الهی را در فراقی جانسوز تنها گذاشت.

این واقعه دردناک که به فاصله اندکی از وفات ابوطالب علیه السلام روی داد، چنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را متاثر کرد که آن سال را «عام الحزن» نامید. به نقل علامه مجلسی بعد از این واقعه خانه نشین شده و کمتر از خانه بیرون می رفت. (6)

مروری بر نحوه خاکسپاری خدیجه علیها السلام و یادکرد دایمی پیامبر از وی، میزان این حزن و اندوه را به خوبی نشان می دهد: وقتی خدیجه وفات یافت، پیامبر به شدت گریه کرد و زمانی که قبر آن بانوی بزرگوار حاضر شد، پیامبر همان گونه که اشک از چشمانش ریزان بود، وارد قبر شد و خوابید و افزون تر از قبل گریست، (7) او را دعا کرد و برخاست و با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت. (8) پیامبر در سالگرد وفاتش نیز گریه کرد (9) و به زنانش فرمود: گمان نکنید مقامتان از او بالاتر است. زمانی که کافر بودید، ایمان آورد و مادر فرزندانم است. (10) حتی سال ها بعد که می خواستند خبر خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام را به پیامبر بدهند و یادی از خدیجه شد، چشمانش پر از اشک شد و زمانی که ام سلمه از علت گریه اش پرسید، فرمود: «خدیجه و این مثل خدیجه صدقتنی حین یکذبنی الناس و ایدتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها ان الله عز و جل امرنی ان ابشر خدیجه ببیت فی الجنة من قصر الزمرد لا صعب فیه و لا نصب؛ (11)

خدیجه و کجاست مثل خدیجه؟ زمانی که مردم تکذیب کردند، مرا تصدیق کرد. بر دین خدا یاری ام کرد و با مالش به کمک شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصری زمردین در بهشت که سختی و محنتی در آن نیست، بشارت دهم.»

این همه تجلیل و بزرگداشت از مقام خدیجه علیها السلام ما را بر آن می دارد که اندکی پیرامون شخصیت خدیجه علیها السلام سخن بگوییم و شاخصه هایی که خدیجه علیها السلام را به چنین مرتبه ای رسانده است برشماریم.

در این مقاله پیرامون ویژگی های رفتاری خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله سخن خواهیم گفت.

اولین ویژگی حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر، درک ارزش های واقعی او در برابر فریبندگی های ظاهری و دنیوی بود. او معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم بیابد، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند. او در این راه هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی اش. خدیجه برای درک این کمال واقعی، قالب های جاهلی را شکست و بهایی سنگین از جمله قطع رابطه زنان، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه علیها السلام را به جان خرید. خدیجه علیها السلام این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، این گونه با پیامبر مطرح کرد:

«یابن عم انی رغبت فیک لقرابتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛ (12) ای پسر عمو، من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت داری، خوش خلقی و راستگویی ات به تو تمایل پیدا کردم.»

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه ای که عموم توده ها براساس ظواهر و زرق و برق های دنیوی روابط خود را پایه ریزی می کنند، نمی توانست بدون پی آمدهای تلخ و ناگوار باشد، لذا به فاصله ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است ازدواج کرد. چه ننگ بزرگی!» خدیجه علیها السلام در مقابل این جهالت ها ساکت نشست و آن ها را به صرف نهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت: «ای زنان! شنیده ام شوهران شما (و خودتان) در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته اید و عیب جویی می کنید، من از خود شما می پرسم آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضائل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید و نسبت های ناروا به دیگران دهید.»

زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه، همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند. (13)

این شیوه استدلال خدیجه هر چند عمق ارزش گرایی در انتخاب ها را نشان می داد، برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نمی نمود، لذا زنان لجوج قریش به حالت قهر با او رفتار می کردند. آن ها دیگر به خدیجه سلام نمی کردند و نزد او نمی رفتند حتی تا سال پنجم بعثت که حضرت زهرا علیها السلام متولد شد، نیز این شیوه رفتاری همچنان پا برجا بود. لذا حتی هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشته و پیام فرستادند که: «تو با ما مخالفت و با یتیم ابوطالب ازدواج کردی، ما هرگز نزد تو نمی آییم و در هیچ کاری کمک نمی کنیم!!» این حجم از کینه ورزی ها

دل خدیجه را آزد تا آن جا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم، صفورا دختر شعیب پیامبر) را به یاری او فرستاد و به این سان خدیجه پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا علیها السلام را نیز به دنیا آورد. (14)

2 - احترام به شخصیت پیامبر

خدیجه به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم همواره حرمت او را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی داد. جلوه ای عالی از این رفتار را می توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر می

خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار می دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک؛ (15) به خانه خودتان وارد شوید، خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.» و البته این همه احترام و پاسداشت به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود و بس. (16)

3 - تلاش برای جلب رضایت

خدیجه علیها السلام تمام توان خود را به کار می برد تا امور منزل را مطابق میل پیامبر اداره کند. از جمله چون به میزان علاقه پیامبر به عبادت آگاه بود، چنان رفتار می کرد که پیامبر به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه را مانعی برای عبادتش نداند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت، در هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می گذراند (17) و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت. لذا امام هادی علیه السلام می فرمود: «پیامبر اسلام پس از سفر تجاری شام، درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می رفت و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول می شد و تحت تاثیر عظمت خدا قرار می گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می کرد.» (18)

خدیجه علیها السلام با درک چنین روحیاتی از پیامبر، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی کرد و همیشه با همدلی و همراهی او را بدرقه می کرد، غذایش را به وسیله حضرت علی علیه السلام به بالای کوه می فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می نویسد: «در آن ماه رمضان که پیامبر در کوه حرا به سر می برد و وحی و بعثت آغاز می شد، حضرت علی و خدیجه و یکی از غلامان در حضورش بودند.» (19)

برای نمونه تنها یکی از این عبادت های پیامبر 40 روز به درازا کشید که خدیجه علیها السلام تمام این مدت را به تنهایی گذراند.

چنین عبادت های طولانی به طور طبیعی می توانست موجب ناراحتی، دلشوره ها و نگرانی های مختلفی برای خدیجه شود، اما او نه تنها اعتراض نمی کرد بلکه با رسول خدا همراهی نیز می نمود، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله که خود متوجه نگرانی های خدیجه بود، عمار یاسر را نزد خدیجه فرستاد و پیام داد که: «ای خدیجه! گمان نکن کناره گیری من به خاطر بی اعتنایی به تو است، بلکه پروردگارم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می کند. پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن.» (20)

همراهی و همدلی خدیجه و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت هایش به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «من در حق شما کوتاهی کردم، مرا عفو کن»، پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی.» (21)

4 - تصدیق و تایید پیامبر

روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که گویای اهمیت رویکرد خدیجه به پیامبر در آن فضای جاهلی و غربت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. وقتی که حتی بسیاری از بستگان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز پیامبر را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند، خدیجه به محمد صلی الله علیه

و آله روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانش استوار ماند. پیامبر نیز با درک چنین فضیلتی از خدیجه بود که همواره تاکید می کرد «این مثل خدیجه» از جمله زمانی که هاله، خواهر خدیجه برای زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه آمد، پیامبر با دیدن او به یاد خدیجه افتاد و از شدت تاثیر به خود لرزید. بعد از رفتن او، عایشه پرسید: چه قدر از پیر زن قریش که سال خوردگی صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می کنی با این که امروز روزگار او را نابود کرده و خداوند همسری بهتر به شما بخشیده است؟! پیامبر فرمود:

«هرگز، به خدا سوگند! بهتر از خدیجه هیچ گاه نصیبم نشد، او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند و ...» (22)

عبدالله بن مسعود نمونه ای از مشاهدات خود پیرامون ایمان خدیجه را آن زمان که هیچ کسی به پیامبر ایمان نیاورده بود، اینگونه بیان می کند: «نخستین چیزی که از اسلام دانستم این بود که با عموهایم و تعدادی از اعضای قبیله، وارد مکه شدیم. چون می خواستیم مقداری عطر بخریم ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. او بالای چاه زمزم، در کنار کعبه نشسته بود. زمانی که پیش او نشسته بودیم، دیدیم مردی که دو لباس سفید پوشیده بود و گیسوان و ریش پر و دندان های سفید و ... داشت و چهره اش مثل ماه می درخشید، از باب صفا وارد مسجدالحرام شد. در طرف راست او یک نوجوان و پشت سرش بانویی پوشیده را دیدم. آن ها کنار حجرالاسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجرالاسود دست کشید، سپس آن نوجوان و بعد آن بانو. آن گاه هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت بار طواف کردند، کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز جماعت خواندند. آن مرد هنگام تکبیر دست هایش را تا کنار گوشش بلند می کرد تا به قنوت نماز رسیدند. قنوت را طولانی کردند تا آن که نماز تمام شد. من که چنین چیزی ندیده بودم، از ابن عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی به مکه آمده است؟ من چنین دینی را در مکه ندیده بودم؟ گفت: این مرد برادرزاده من، محمد بن عبدالله است و آن نوجوان برادرزاده دیگرم علی بن ابی طالب و آن خانم هم همسر محمد؛ خدیجه دختر خویلد است. به خدا قسم غیر از این سه نفر کسی در روی زمین به این دین اعتقاد ندارد.» (23)

5 - انفاق اموال

پیرامون مظاهر ثروت خدیجه نوشته اند: «هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و نقل می کردند، بارگاهی از حریر سبز با ابریشم بر بام خانه اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می کردند و به فقرا کمک می شد، چهار صد غلام و کنیز امور اقتصادی و شخصی او را اداره می کردند.» (24) با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج نزد عمویش ورقه بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت: این ها را نزد محمد صلی الله علیه و آله ببر و بگو این اموال هدیه به شماست و هرگونه بخواهی در آن ها تصرف کن و هر چه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت، به او بخشیدم. ورقه بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد می گیرد که خود و همه ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام ها، مهریه و هدایایش را به محمد صلی الله علیه و آله بخشیده است و همه آن ها هدیه ای است که محمد آن را پذیرفته است و این کار خدیجه به خاطر علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه و آله است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.» (25)

دامنه این یاری مالی به سال های اولیه ازدواج ختم نیافت بلکه هنگام محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب و

حتی بعد از آن نیز اموال خدیجه نقش اساسی در نجات اسلام و مسلمانان از نابودی ایفا کرد تا آنجا که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی، هرگز مثل ثروت خدیجه به من سود نرساند.» (26)

طبق بعضی روایات در ماجرای محاصره، از اموال خدیجه چیزی نماند و به نقل از حضرت خدیجه علیها السلام «چیزی جز دو پوست باقی نماند که هنگام استراحت یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز قرار می دهیم». در این مدت ابوالعاص بن ربیع، داماد حضرت خدیجه، شترها را با گندم و خرما با شگردهای مختلف به آن ها می رساند و در طول سه سال محاصره، مصارف آنان از اموال خدیجه تامین می شد. (27)

6 - تحمل پذیری و صبر

خدیجه صبر و تحمل را در زندگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل پذیری ویژه ای از خود نشان می داد. از جمله این وقایع می توان به واقعه شعب اشاره کرد که نقش مهمی نیز در تحلیل قوای جسمانی خدیجه علیها السلام داشت، به اندازه ای که به فاصله اندکی از پایان محاصره، آن بانوی بزرگوار وفات یافت. در این محاصره یاران پیامبر (چهل نفر) جز چهار ماه حرام سال را در گرمای داغ تابستان و بیابان خشک و... تحمل می کردند و در این زمان بانوی محمد که 63 تا 65 ساله بود، علاوه بر صرف اموال، خود نیز در شمار محاصره شدگان بود. میزان فشاری را که بر محاصره شدگان وارد می شد می توان از گزارش سعد وقاص فهمید. او می گفت: شبی از دره بیرون آمدم، از شدت گرسنگی تمام توانم را از دست داده بودم، چشمم به پوست خشکیده شتری افتاد، آن را برداشتم و بعد از شستن و پختن و کوبیدن، با آب خمیر مخلوط کردم و سه روزی با آن به سر بردم.» (28)

بنت الشاطی از نویسندگان عرب در مورد میزان تحمل خدیجه علیها السلام در این دوران می نویسد: خدیجه در سنی نبود که تحمل آن همه رنج برایش آسان باشد، و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت خو گرفته باشد. اما در عین حال و با وجود کهولت سن، سختی هایی را که در اثر محاصره در شعب وارد می شد تا سر حد مرگ تحمل کرد. (29)

در این دوره حتی برخی بستگان پیامبر نیز با بی رحمی تمام بر این فشارها می افزودند که از جمله آن ها می توان از ابوجهل نام برد که مانع می شد تا حکیم بن حزام برای عمه اش خدیجه علیها السلام که در شعب بود، حتی از اموال خود خدیجه آذوقه برساند. (30)

7 - انیس و غم زدای پیامبر

با این همه سختی و فشار، خدیجه خم به ابرو نمی آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت به سان بانویی شفیق، بر گرد وجود پیامبر می گشت و با سیمای خندان خود غم ها را از رخ پیامبر می زدود و در این بین به سان یاور، وزیر و کمک رسانی توانمند او را یاری می کرد.

ابن هشام می نویسد: خدیجه به پیامبر ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد و ... خداوند به وسیله او به پیامبرش آرامش داد به نحوی که هیچ خبر ناراحت کننده ای از قبیل رد و تکذیب را نمی شنید مگر این که خداوند به وسیله خدیجه گشایش برایش ایجاد می کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه برمی گرداند، دشواری ها را بر او آسان می کرد و تصدیقش کرده، اعمال مردم را (که موجب آزار شده بود) بی اهمیت جلوه می داد. رحمت خدا بر او باد. (31)

حجم سنگین فشارهای قریش و مشرکان با این سخن پیامبر روشن می شود که: «ما اوذی نبی بمثل ما اوذیت؛ (32) هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.» و خدیجه علیها السلام در تمام این آزارها، یار و غم زدای پیامبر بود. علامه مجلسی می نویسد: در سال های آغازین بعثت بود که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با سیمایی غمگین و محزون از غار حرا به خانه برگشت. خدیجه علیها السلام می گوید، به پیامبر گفتم: نشانه اندوه در چهره ات می بینم، چه شده است؟ فرمود: علی از من جدا شده و معلوم نیست کجاست؟ [عده ای از مسلمانان به خاطر پرهیز از گزند مشرکان پراکنده شده بودند و میان علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فاصله افتاده بود] در مورد آسیب رسانی مشرکان به وی نگرانم! به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: بر شترم سوار می شوم، یا او را می یابم و یا مرگ بین من و او فاصله می اندازد.

خدیجه سوار شتر شد و به جست و جو پرداخت تا آن که قیافه کسی را دیده بر او سلام کرد و از صدای جوابش فهمید علی است ... آن گاه به سوی خانه برگشت و با دادن خبر سلامتی علی، پیامبر را خوشحال کرد به اندازه ای که پیامبر یازده بار شکرا للمجیب گفت.

8 - مجاهدت و دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله

از مصادیق مجاهدت خدیجه علیها السلام می توان به موضوع پذیرش اسلام در سال های چهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در شرایط خوفناک و وحشتناک آن عصر اشاره کرد. میزان خطرات پذیرش اسلام در آن دوره به حدی بود که امام صادق علیه السلام می فرمود: پیامبر خدا پنج سال در مکه به طور پنهانی می زیست، علی و خدیجه با او بودند و اسلام خود را پنهان و به شدت تقیه می کردند. (33)

علاوه بر این خدیجه علیها السلام در مقام دفاع از پیامبر نیز برمی آمد. از جمله اصیغ بن نباته می گوید: عصر روز جمعه در مسجد در حضور علی علیه السلام بودیم که مردی بلند قامت به نام سواد بن قارب خدمت امام آمد. او بعد از رد و بدل شدن مطالبی گفت: از یمن سوار شتر شدم و به سوی مکه آمدم. با نخستین کسی که روبه رو شدم ابوسفیان بود. بر او سلام کردم و پیرامون خاندان قریش پرسیدم، گفت: مشکلی نیست فقط یتیم ابوطالب دین ما را فاسد کرده است.

گفتم نام او چیست؟ گفت: محمد و احمد. پرسیدم کجاست؟ گفت با خدیجه دختر خویلد ازدواج کرده و در خانه اوست. مهار شتر را کشیدم و به خانه خدیجه رفتم و در زدم. خدیجه پشت در آمد و پرسید: کیستی؟ خود را معرفی کردم و گفتم: می خواهم با محمد ملاقات کنم. او این گونه پاسخ داد: «اذهب الی عملک ماتزون محمدا یاویه ظل بیت قد طردتموه و هربتموه و حصنتموه اذهب الی عملک؛

به دنبال کار خود برو، محمد را رها نمی کنید تا در پناه خانه اش بیاساید. شما او را از خود دور کردید و فراری دادید و در مقابلش سنگربندی کردید، برو به دنبال کارت.»

پیامبر فرمود: ای خدیجه در را بگشا، وقتی وارد شدم سیمای نورانی پیامبر را دیدم و به رسالت او ایمان آوردم و بعد از وداع به یمن برگشتم. (34)

یک بار هم که جهال عرب با سنگ پرانی حضرت را زخمی کردند و در پی او تا خانه خدیجه آمدند و خانه را سنگ باران کردند، خدیجه بیرون آمد و گفت: آیا از سنگباران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟

و مردم با شنیدن این سخن شرمنده و متفرق شدند و آن گاه خدیجه به مداوای همسرش شتافت. در همین
واقعۀ بود که پیامبر از سوی خداوند به او سلام رساند و خدیجه در برابر سلام الهی گفت: «ان الله هو السلام و
منه السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام و برکاته.» (35)

پی نوشت ها :

- (1) بحارالانوار، ج 21، ص 352.
- (2) همان، ج 102، ص 272.
- (3) همان، ج 16، ص 69.
- (4) همان، ج 75، ص 56.
- (5) همان، ج 16، ص 69.
- (6) همان، ج 19، ص 21.
- (7) سیره اعلام النبلاء، ج 2، ص 11؛ کشف الغمه، ج 1، ص 511.
- (8) تاریخ طبری، ج 4، ص 593.
- (9) سفینه البحار، ج 1، ص 380.
- (10) سیره نبوی، ابن هشام، ج 1، ص 199.
- (11) سفینه البحار، ج 1، ص 381.
- (12) سیره نبوی، ابن هشام، ج 1، ص 201؛ تاریخ طبری، ج 1، ص 521.
- (13) بحارالانوار، ج 16، ص 81؛ ج 103، ص 374.
- (14) همان، ص 80.
- (15) بحارالانوار، ج 1، ص 4.
- (16) سفینه البحار، ج 2، ص 570؛ وفات الزهرا، مقرم، ص 7.
- (17) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 13، ص 208.
- (18) بحارالانوار، ج 17، ص 309.
- (19) همان، ج 15، ص 363.
- (20) بحارالانوار، ج 16، ص 79 و 80.
- (21) شجره طوبی، ج 2، ص 235.
- (22) قاموس الرجال، ج 10، ص 432.
- (23) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 13، ص 225.
- (24) بحارالانوار، ج 16، ص 22.
- (25) همان، ج 16، ص 75 تا 77.
- (26) همان، ج 19، ص 63.
- (27) ریاحین الشریعه، ج 2، ص 211.
- (28) سیره ابن هشام، ج 1، ص 379؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 79.

(29) خدیجه کبری، نمونه زن مجاهد مسلمان.

(30) سیره ابن هشام، ج 1، ص 335؛ بحارالانوار، ج 19، ص 18.

(31) سیره نبوی، ابن هشام، ج 1، ص 249؛ استیعاب، ج 4، ص 1820؛ با اختلاف اندک.

(32) بحارالانوار، ج 39، ص 1.

(33) کمال الدین، ص 197؛ نمونه هایی از مجاهدت این بانو در ماهنامه مبلغان ش 11، ص 8 به بعد مطالعه کنید.

(34) اختصاص مفید، ص 181؛ بحارالانوار، ج 18، ص 98.

(35) استیعاب، ج 4، ص 111 و ج 2، ص 719؛ اسد الغابة، ج 5، ص 438.